

نظری بر:

اهداف

تعلیم و تربیت

اسلامی

از آنجاییکه اهداف تربیتی جایگاه ویژه‌ای را در مباحث تعلیم و تربیت به خود اختصاص داده و حائز اهمیت فراوانی می‌باشند، لذا به دلیل اهمیت و ضرورت آن، به بحث پیرامون اهداف تربیت و انواع آن می‌پردازیم.

نخست باید اذعان نمود که اهداف تربیت به عقاید انسان و نوع نگرشها و جهان بینی او بستگی دارد. ولی غرض ما از بحث پیرامون اهداف تربیت، ترسیم این هدفها براساس جهان بینی توحیدی است که آنرا برترین و بهترین جهان بینی ها می‌دانیم که به بحث پیرامون آن می‌پردازیم، اقا مقدماً انواع اهداف تربیت را از نظر قشرها و گروههای مختلف مورد بررسی قرار میدهم.

#### ۱- هدف جسمانی

برخی از دیدگاههای تربیتی، هدفهای تربیتی خود را بسوی جسم انسان و پرورش هر چه بیشتر آن معطوف نموده‌اند، و لذا بر بهداشت بدن، خوردن غذاهای گوناگون، وانجام دادن ورزشها، خوابیدن به موقع، واموری نظیر آنها تکیه نموده‌اند، و درواقع قشر وسیعی از مردم نیز چنین هدفی را دنبال می‌نمایند، و تربیت از دیدگاه آنان چنان معنایی دارد.

تحقق چنین دیدگاهی که با تکیه صرف بر پرورش جسم و دقت در خورد و خواب شکل گرفته است و بعد حیوانی انسان را شدیداً مورد توجه قرار داده است و از جنبه‌های معنوی وجود او غفلت ورزیده است به چیزی جز یک دامپروری مجهز

نمی‌انجامد و آنجا که فقط بعد حیوانی انسان پرورش می‌یابد و همیشه چنین هدفی دنبال می‌شود، آیا جز دامپروری، نام دیگری می‌تواند داشته باشد؟

این گروه برآداب ظاهری نیز تکیه می‌نمایند، و به طور خلاصه می‌توان گفت که شعار خوراک و پوشاک و مسکن برخاسته از این دیدگاه و بیانگر چنان نگرشی می‌باشد.

#### ۲- هدف سیاسی و اجتماعی

طرفداران این دیدگاه که نسبت به گروه قبل هدف بسالائری را دنبال می‌نمایند، هدف آنها از تربیت آنست که تربیت شدگان افرادی باشند که مقررات جامعه را رعایت نمایند، و با نظام سیاسی آشنا بوده و مسائل

اجتماعی را مورد توجه قرار دهند و بتوانند در جامعه زندگی نمایند و با نظام اجتماعی هماهنگ باشند، و تربیت در اینجا بدین معناست که فرد آداب اجتماعی را بیاموزد، و خود بتواند مقنن باشد و از قانون نیز حمایت کند و حافظ نظام سیاسی و اجتماعی باشد، و این مرحله ای بالاتر از توجه صرف به تربیت جسمانی می باشد.

### ۳ - هدف علمی و انسانی

دیدگاه سومی که در ارتباط با دو دیدگاه قبلی، هدف والاتر را دنبال می نماید، دیدگاهی است که در آن تربیت، از آن جهت دارای ارزش می باشد که هدفی علمی و انسانی را دنبال می نماید. و هدفهای انسانی از نظر آنان، اموری چون مبارزه با جهل و طواغیت و فقر، و گره گشایی از امور مردم می باشد.

یعنی وقتی سخن از فرد تربیت شده می گویند، مرادشان آنست که چنان فردی باید بتواند دردی از مردم دوا نماید، و مشکلی از مشکلات انسانها را حل کند، و خلاصه آنکه دلسوز مردم باشد، و به انسانها اهمیت بدهد، و فردی دوستدار علم و دانش بوده با جهل و ظلم مبارزه نماید.

### ۴ - هدف تربیت، تحقق عبودیت

چهارمین دیدگاه تربیتی که برترین و ارزنده ترین اهداف تربیتی را دنبال می نماید، دیدگاه توحیدی است.

بندگی خدا که هدف تربیتی مکتب ماست چنان وسعتی دارد، که هدفی با این گستردگی در هیچ مکتبی از مکاتب بشری یافت نمی شود.

تربیت شده این مکتب، بنده خدا نام دارد، او خلق را عیال خدا می داند، و همه عالم برای او تقدس می یابد، مثلاً همانگونه که اگر شما عمامه پیامبر (ص) را ببینید

## ■ بندگی خدا که هدف تربیتی مکتب ماست چنان وسعتی دارد، که هدفی با این گستردگی در هیچ مکتبی از مکاتب بشری یافت نمی شود.

می بویید و می بوسید و بر چشمان خود قرار می دهید زیرا که آنرا وابسته به پیامبر اسلام میدانید که برترین انسانها می باشد، و لذا به دلیل این وابستگی، آنرا مبارک می شمارید عالم نیز وابسته به خدا، و بلکه مخلوق اوست، و لذا آن کسی که خود را عبد خدا دانسته و عالم را اثر او، می داند تمام عالم برایش تقدس می یابد چرا که اثر او دارد و حکایت و سخن از خالق.

او قرآن و طفل و نان را می بوسد و بزرگ و کوچک را محترم می شمارد و نظام و جهان را چون وابسته به خدا می داند، برایش امری مقدس می باشد، زیرا چون خالق را دوست میدارد، متعلقات به او را نیز محبوب می دارد.

پس هدف ما از تربیت آنست که بنده و عبد خدا را تربیت نماییم، تا او رنگ و صیغه الهی بخود گیرد. و عبد واقعی خدا که تربیت شده مکتب است آن کسی است که سلامت جسم را مورد توجه قرار میدهد و حقوق مربوط به جسم را رعایت می نماید، و ضمن حفاظت از آن، با دست خود آنرا به مهلکه نمی اندازد چرا که او به این روایتی که معصوم علیه السلام فرموده است اعتقاد دارد. و متن روایت اینست «ان لبدنك عليك حقاً»، و ارزشهای متعالی اجتماعی، مقررات صالحه، نظام اجتماعی و خدمت به خلق را مطمح نظر خویش قرار میدهد، و بر حفاظت و رعایت آنها اهتمام می ورزد.

ما مذهبی ها از متعالی ترین اهداف تربیتی برخورداریم و از وسعت نظر و اندیشه هایی روشن در این راه بهره می گیریم که خود بیانگر غنا و عمق مکتب ماست. فرق ما با سایر مکاتب در اینجاست که معیار ما در انتخاب اهداف تربیتی، عمومی تر و وسیع تر است و حال آنکه هدفهای تربیتی آنها محدود تر و از جامعیت و شمول کمتری نیز برخوردار می باشد. یعنی همه آن خوبیهای که در آن مکاتب وجود دارد، به طریق اولی و با

وسعت و عمق و غنای بیشتر در مکتب ما وجود دارد. و بعلاوه مکتب ما از نظر تعدد هدفها نیز بر تمامی مکتهای دیگر برتری دارد و آنچه که ما داریم آنها ندارند.

مکتب ما نیز به دلیل داشتن همین غنا و عظمت، آرامش روحی را نیز به انسان مؤمن تقدیم میدارد، که دست یافتن به آرامش روحی نیز خود هدفی تربیتی می باشد، و از آنجاییکه اسلام خود دارای نظام حکومتی، نظامی اقتصادی و نظام سیاسی و اجتماعی می باشد، و روشهای حکومت و مشی اقتصادی و سیاسی را ترسیم می نماید و حلال و حرام را مشخص نموده، و تفریحات سالم را نیز بیان داشته است، و اگر انسان به این مکتب معتقد باشد، از آرامش برخوردار می باشد و خود نیز برای خویش ارزش قائل می باشد و می گوید، از آنجاییکه من بنده خدا هستم، خدا برای من برنامه مشخص نموده است دیگر نیازی به برنامه های مبتنی بر جهان بینی های انسانی ندارم، و پیروان مکاتب غیر الهی مصداق این ایباند.

آدم از نبی بصری بندگی آدم کرد گوهری داشت ولی صرف قیاد و جم کرد

یعنی درخوی غلامی ز سگان پست تراست من ندیدم که سگی نزد سگی سرخم کرد اصولاً سپردن تربیت انسان به غیر از خدا، توهین به شخصیت انسان است بلکه تربیت ما باید توسط کسی صورت گیرد که خالق ماست.

پس هدف تربیت آنست که خود را به خدا سپاریم، همچون بیماری که او را به دست پزشک می سپاریم تا او را در جهت سلامت خویش راهنمایی کند و برنامه سلامتی وی را تنظیم و به وی ارائه دهد.

لذا آنکسی که خود را به خدا می سپارد، برای تربیت خویش آن مربی را برمیگزیند که خدا برای او مشخص نموده است، یعنی انتخاب مربی با توجه به ویژگیهایی صورت می گیرد که خدای تعالی برای یک مربی ترسیم کرده است، و آن کسی که آن صفات مشخصه را به تمامه ندارد مربی کاملی نخواهد بود.

لذا مربی انسانها باید از خصوصیات و توفیقاتی برخوردار باشد.

از جوانی پرسیدند که ازدواج کرده ای؟ گفت آری، گفتند صاحب فرزند هم شده ای؟ گفت بلی، خدا بمن افتخار و توفیقی عنایت فرمود که تا مربی یکی از بندگانش باشم، امیدوارم که بتوانم واجد صفات یک مربی مورد قبول خدا باشم.

پس متذکر شدیم که عبودیت الله، آرامش در پی دارد، و قرآن هم می‌فرماید که «الا بذکر الله تطمئن القلوب» و در نزد چنین انسانی سختی‌ها نیز شیرین است، و با خود می‌گوید چون من بنده خدا هستم و وقتی که خدا می‌خواهد مرا تربیت کند، تربیت در رفاه امکانپذیر نمی‌باشد، بلکه سختی‌ها لازمه تربیت و کمال می‌باشد.

ولذا می‌بینیم که وقتی پس از شهادت حاج آقا مصطفی، به امام تسلیت می‌گویند، امام می‌فرماید که این از الطاف خفیه الهی است، و حضرت زینب (س) نیز که اینهمه مصیبت دیدند می‌فرمایند که «ما رأیت الا جمیلاً» و به این ترتیب می‌بینیم که حتی مصیبت‌ها نیز از زیبایی خاصی برخوردارند.

و همانگونه که یک نفر انسان سالها می‌کوشد و مشقات فراوانی را تحمل می‌کند و به انواع ورزشهای سخت تن در می‌دهد تا قهرمان می‌شود. و رشد یابد، در تربیت نیز سختی‌ها نقش رشد دهنده‌ای را بر عهده دارند، و عبد خدا به سختی‌ها به گونه‌ای دیگر می‌نگرد، ولذا مشقات و سختی‌ها در نزد او از حلاوت و شیرینی برخوردار می‌باشند.

هدف تربیت خارج کردن انسان از ظلمات به سوی نور است چنانکه قرآن می‌فرماید: «یخرجهم من الظلمات الی النور».

اما باید دانست که منظور از ظلمات چیست؟

جهل تاریکی و ظلمت است و هدف تربیت نیز خارج کردن فرد از جهل به سوی علم می‌باشد، هوی نیز تاریکی است و کار تربیت آنست که فرد را به سوی هدایت ببرد. و از تفرقه به سوی وحدت بردن و از شرک به سمت توحید بردن، همه از مصادیق تربیت و از مصادیق آیه مبارکه فوق

■ علمای غیر الهی نیز شناختی ناقص از انسان دارند، لذا تربیت را به یک بعد و یا برخی از جنبه‌های انسان منحصر نموده‌اند در حالیکه تربیت اسلامی تمامی ابعاد وجودی انسان را مورد توجه قرار داده است.

## ■ اصولاً سپردن تربیت انسان به غیر از خدا، توهین به شخصیت انسان است بلکه تربیت ما باید توسط کسی صورت گیرد که خالق ماست.



می‌باشند. بردن از ضیق صدر به شرح صدر، و از کونه نظری به بلند نظری و اموری نظیر آن از جمله اهداف تربیت می‌باشد. پس در تربیت، نباید پرورش یک جنبه وجودی انسان همه اهداف تربیتی را به خود اختصاص دهد، سه دیدگاهی که در وهله نخست بر شمرديم، مثلثان، مثل آن گروهی است که می‌خواهند در مکانی تاریک به تماشای فیل بروند.

در آن فضای تاریک هریک از آنها، عضوی از اعضای فیل را لمس کردند، وقتی از ایشان پرسیده شد که فیل چیست؟ هر کسی بر مبنای دریافت خود پاسخ داد، مثلاً آنکه گوش فیل را لمس کرده بود گفت: موجودی است شبیه بادبز، آنکه پای فیل را لمس کرده بود پاسخ داد حیوانی مانند ستون است.

علمای غیر الهی نیز شناختی ناقص از انسان دارند، لذا تربیت را به یک بعد و یا برخی از جنبه‌های انسان منحصر نموده‌اند در حالیکه تربیت اسلامی تمامی ابعاد وجودی انسان را مورد توجه قرار داده است.

فرق اهداف تربیت از دیدگاه مکاتب غربی و مکاتب الهی در این است که آن مکاتب وقتی دم از تربیت می‌زنند هدفشان اینست که زندگی مردم بهتر شود ولی برای

ما زندگی خیلی مطرح نیست بلکه ما انسانیت را مورد نظر قرار می‌دهیم.

شما برای اینکه فرق بین زندگی و انسانیت را بخوبی دریابید، قصه‌ای جالب را از قرآن متذکر می‌شوم سورة عبس و تولى را شنیده‌اید، قضیه‌اش آن بود که حضرت ختمی مرتب با جمعی نشسته بودند، و این افراد هم از بزرگان قریش بودند که از سران کافر آنروز بحساب می‌آمدند، تلاش پیامبر در این راستا بود که آنان را هدایت نماید، که در این اثنا ام مکتوم که مردی نابینا و مؤذن پیامبر بود، (پیامبر (ص) چند مؤذن داشت یکی نابینا که متذکر شدیم و دیگری بلال که فرد بینایی بود. و به اذان بلال توجه می‌شد.) ام مکتوم که فرد کوری بود، با عصا وارد شد و نمی‌دانست که پیامبر (ص) با چه کسانی نشسته‌اند.

او شروع به کوبیدن عصای خود کرد و با صدای بلند پیامبر را صدا می‌کرد.

عبس یعنی عبوس کرد، و اینکه حضرت عباس می‌گویند، یعنی کسی که بر دشمنان عبوس می‌کند و «اشدأ علی الکفار» است.

در اینجا دو نظر وجود دارد، برخی می‌گویند که کلمه «عبس» حالت پیامبر را بیان می‌کند و آنهم به دلیل آنکه در حین صحبت برای کفار، آن فرد نابینا با صدای بلند پیامبر را خطاب می‌کرد.

تفسیر دیگر آنست که یک نفر از افراد جلسه دارای این حالت گشت، و بعضی می‌گویند که مقام پیامبر بالاتر از آنست که عبوس شود. و بعضی می‌گویند عبوس شدن گناه نیست.

حالا شما از مردم دنیای امروز پرسید که نظرشان راجع به عبوس شدن با مردم چیست؟ همه خواهند گفت که داشتن چنین حالتی در برخورد با مردم پسندیده نیست، و اگر پرسید که علت پسندیده نبودن آن چیست؟ خواهند گفت که طرف مقابل را ناراحت می‌کند و از نشاط او می‌کاهد و بازده کارش پایین می‌آید و تولید کم می‌شود و یا می‌گوید روابط سرد می‌شود و خلاصه با دید مادی چنین تلقی می‌شود که بروز چنین حالتی باعث دلسردی می‌شود. و دلسردی و ناراحتی او با در روابط سیاسی اثر می‌گذارد و یا در روابط اقتصادی و اجتماعی.

برای نابینا اگر عبوس شوی، او که نمی‌بیند، اقا قرآن می‌گوید، تو چرا بین کور و بینا چنین فرقی را قائل می‌شوی؟ و نسبت به فرد کور چنین حالتی برخورد می‌گیری؟

■ هدف تربیت خارج  
کردن انسان از ظلمات به سوی  
نور است چنانکه قرآن  
می فرماید: «يُخْرِجُهُم  
مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ».

اگر چه او نمی بیند، و چون نمی بیند عبوس شدن با او در روابط اجتماعی و اقتصادی نیز اثری ندارد. ولی قرآن با دید انسانیستی نگاه می کند، درحالی که در حین عبوس شدن، انسان در دل خود یک نفر را پایین تر حساب کرده و دیگری را بالاتر قرار می دهد، و لذا قرآن می فرماید که تو نباید چنین کاری را بکنی شما می دانید وقتی که یک مرد نابینا هم وارد خانه می شود، زن نامحرم باید چادر سر کند، و خود را بپوشاند، اگر چه او چشم ندارد که ببیند، اما زن باید حجاب داشته باشد حجاب برای زن کمال است و کاری هم به اینکه او نمی بیند نباید داشت و یا در عین حال که فرد سیدی خوابیده است ما به احترام رسول اکرم (ص)، در آن محل پایمان را دراز نمی کنیم. خلاصه آنکه ما کاری نداریم که کسی می بیند و یا نمی بیند، دلسرد شده و یا دلگرم شد، یعنی دل مردم مهم نیست، بلکه کمال ذاتی مهم است.

در فراگیری علم هم باید آنرا بخاطر اینکۀ فی نفسه ارزش دارد، مورد توجه قرار داد، نه به دلیل آنکۀ لازمه مشغله و کار هست و نه به دلیل کسب مدرک، بلکه آنچه در اینجا از اهمیت برخوردار می باشد، عنایت به کمال می باشد، چنانکۀ علی (ع) می فرماید که خدایا من ترا بخاطر طمع به بهشت و یا ترس از جهنم عبادت نمی کنم، «بل وجدتك اهلاً للعباده فعبدتك» بلکه ترا شایسته عبادت دانستم و ترا عبادت کردم.

البته در روایت گاه به اثرات افعال نیز اشاره شده است، که مثلاً با مردم خوش رفتاری کنی تا شما را دوست بدارند. این درست است، اما این برای آن گروهی که در کلاس اول دین قرار دارند، انگیزه ایجاد می کند و حال آنکۀ عبادت وقتی که بخاطر کسب بهشت و یا انجام فرایض برای ترس از جهنم صورت گیرد فرق زیادی دارد با عبادتی که صرفاً به خاطر خدا انجام شود.

■ انتخاب مربی با توجه به ویژگی‌هایی صورت می‌گیرد که خدای تعالی برای یک مربی ترسیم کرده است، و آن کسی که آن صفات مشخصه را به تمامه ندارد مربی کاملی نخواهد بود.

«گزارشی از گردهمایی مسئولین هسته‌های مشاوره سراسر کشور»  
«از تاریخ ۲۵ لغایت ۲۷ مهرماه ۶۶»

معاونت پژوهش و وزارت آموزش و پرورش به منظور تیل به اهداف  
آموزشی، پژوهشی و خدماتی در زمینه های مشاوره تربیتی  
مربط به کشور با آنها در ادامه هستند و همچنین تأمین برنامه های  
آموزشی در جهت رفع نیازهای آلمان و مروری بر فعالیتهای  
حیاتی مشاوره و سراسر کشور مشاورت به برگزاری یک  
گروهی در تاریخ ۲۵ لغایت ۲۷ مهرماه ۶۶ در مرکز فرهنگ  
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه تهران نمود.

این گروه‌ها با شنودهای ارزنده و زیر محترم آموزش و پرورش حائلی آید و همکاری محترم پرورشی جناب آقای دکتر علی‌اکبر صالحی را آغاز نمود که توسط برنامه‌های گروه‌های آردیل تنظیم و به امتحان ارسال گردیده بود شامل دو مورد آموزش و ارتقاء تخصصات تربیتی بود که برنامه‌های آموزشی آن شامل موارد:

۱۔ انحرافات اخلاقی در مدارس۔

۲- عقل پرهنگاری دانش آموزان

۳۔ شناختِ بلیدہ «وابستگیِ شاگرد بہ معلم»

۱- معرفی آزمون شخصیتی (MMPI) اصول کاربرد و

عقیدہ آد

۵- روان درمانی خانواده بود که اساتید محترم جناب آقای دکتر فروز، جناب آقای دکتر احمدی، جناب آقای شرفی، خانم دکتر نویسی، نژاده جناب آقای احمدی پیرامون موضوعات فوق به سخنرانی پرداختند. محور دوم شامل عیاض مطروحه در مینگرد «تبادل تجربیات تربیتی هسته های مشاوره» در سراسر کشور بود. که مباحث کاملی از گزارشات گردمانی را در شماره آینده خواهیم داشت.